

تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان

PDF Comp

# حکایت‌های شیرین تاریخ بیهقی

حسین فتاحی / نقاشی: کمال طباطبایی



بی‌هقی، محمد بن حسین  
حکایت‌های شیرین تاریخ بی‌هقی / گردآورنده حسین فتاحی.  
- تهران: نشر پیدایش، ۱۳۸۲.  
۱۴۴ ص.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۹-۱۵۳-۶  
شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۶-۲۵۹-۱  
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا  
۱. ایران -- تاریخ -- غزنویان -- ۲۵۱ - ۵۸۲ ق. ۲. نثر  
فارسی -- قرن ۵ ق. الف. فتاحی، حسین، گردآورنده ب.  
عنوان: تاریخ بی‌هقی. برگزیده  
۲۰۱۶ ت ۹ ب ۷۹۱ / DSR ۳۹۵۵ / ۰۵۱  
۱۳۸۲ ت ۸۵ ی  
کتابخانه ملی ایران  
۴۰۰۲۱ - ۸



## حکایت‌های شیرین تاریخ بی‌هقی

زیر نظر شورای فرهنگی  
بازنویس: حسین فتاحی  
ویراستار: حمیدرضا داداشی  
یونیفرم جلد: کریم نصر  
تصویرگر: کمال طباطبایی

امور فنی کتاب: مؤسسه انتشارات پیدایش

چاپ هفتم: ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سیمپ

چاپ: کاج

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۹-۱۵۳-۶

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۶-۲۵۹-۱

سایت ناشر: [www.peydayesh.com](http://www.peydayesh.com)

پیام‌نگار: [info@peydayesh.com](mailto:info@peydayesh.com)

خ. انقلاب، خ. فخر رازی، خ. شهدی زندامری غربی، بلاک ۸۶ - تلفن: ۶۶۹۷۰۲۷۰

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

## فهرست

۵	.....	مقدمه
۹	.....	گفت وگویی امیرمسعود با بزرگان ری
۱۵	.....	آمدن احمدبن حسن میمندی به بلخ و وزارت پذیرفتن او
۲۷	.....	داستان بردار کردن حسنگ وزیر
۴۷	.....	داستان پس گرفتن انعامها و صیلهها
۵۵	.....	آمدن نماینده خلیفه از بغداد
۶۹	.....	داستان خواجه مظفر برغشی
۷۷	.....	داستان هارون الرشید و یحیی برمکی
۹۵	.....	عمرولیث و شکیبایی او بر مرگ پسرش
۱۰۱	.....	مرگ خواجه احمدحسن میمندی
۱۱۱	.....	وزارت خواجه احمد عبدالضمد
۱۲۱	.....	علی قهندزی و گرفتار کردن او
۱۲۹	.....	رنجش یونصر از امیرمسعود غزنوی
۱۴۲	.....	توضیحات

## مقدمه

۵

خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، نویسنده تاریخ مسعودی است؛ کتابی که به تاریخ بیهقی معروف شده است. این مرد بزرگ در سال ۳۸۵ هجری در روستای حادث آباد از ولایت بیهق، به دنیا آمد و در شهر نیشابور به تحصیل علم پرداخت. در جوانی با عنوان نویسنده وارد دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی شد و به عنوان شاگرد خواجه بونصر مشکان که رییس دیوان رسالت بود، کار کرد. وقتی بونصر مشکان در سال ۴۳۱ هجری درگذشت، سلطان مسعود بوسهل زوزنی را به ریاست دیوان رسالت خود انتخاب کرد. به نظر سلطان مسعود، بیهقی برای این کار بسیار جوان بود. بیهقی که از قبل در آن دیوان کار می‌کرد، به خاطر سابقه نویسنده‌گی و هنر و تدبیری که داشت، عملاً دیوان رسالت را اداره می‌کرد.

بعدها، در زمان سلطنت عبدالرشید، بیهقی رییس دیوان رسالت شد؛ ولی مدتی بعد به خاطر دوست داشتن زنی، قاضی شهر غزنی این مرد بزرگ را به زندان انداخت. بعد از آن که بیهقی از زندان آزاد شد، دیگر در دیوان رسالت خدمت نکرد و به نوشتن تاریخ پرداخت. بیهقی در سال ۴۷۰ درگذشت.

اگر چه تاریخ بیهقی را به عنوان کتابی تاریخی می‌شناسند؛ اما در حقیقت این کتاب، مجموعه‌ای بسیار سودمند از اطلاعات تاریخی، مسایل جغرافیایی و آداب اجتماعی است.

تاریخ بیهقی از نظر نثر و زبان، استفاده از تعبیرات و هنر نویسندگی، یکی از شاهکارهای ادب فارسی است. توصیف‌ها و نکته‌سنجی‌های بسیاری در آن دیده می‌شود و در میان ادبیات درباری و دیوانی، اثری ماندگار است.

تاریخ بیهقی از نظر شیوه تاریخ‌نویسی هم با اصول علمی و هنری منطبق است. این کتاب نه تنها مهم‌ترین سند تاریخ زمان سلطنت مسعود غزنوی است؛ بلکه دقیق‌ترین نوشته در نقل جزئیات، وقایع و حوادث آن دوره هم به حساب می‌آید.

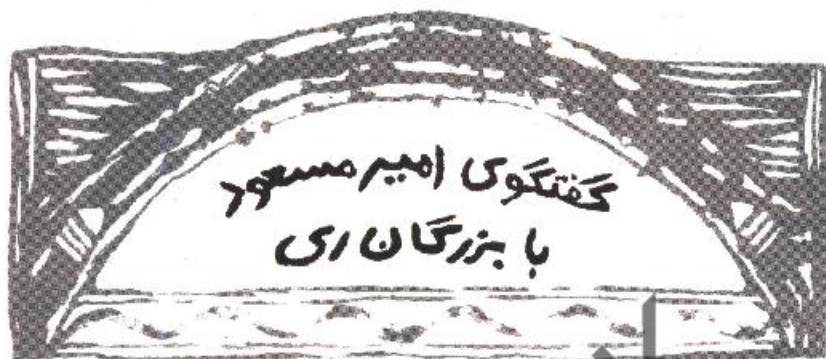
بیهقی به هنگام نگارش کتاب عظیم خود سعی کرده است در کنار مسایل مهم تاریخی، از آداب و رسوم دربار، زندگی مردم عادی، آیین‌ها، دو دستگی‌ها، کارشکنی‌ها و دشمنی‌ها که باعث بسیاری از

مشکلات می‌شود، حرف بزند و مردم را آگاه کند.

هنر دیگر بیهقی در نوشتن این کتاب، استفاده از شیوه داستان‌نویسی است. قطعاً هدف او از به‌کارگیری این شیوه آن بوده است که به این وسیله، نوشته‌اش شیرین‌تر و جذاب‌تر شود؛ بنابراین ما هم درگزینش مطالب این کتاب ارزشمند به سراغ داستان‌های آن رفته‌ایم؛ مطالبی که بیشتر جنبه داستانی دارد و فهم آن برای خواننده نوجوان راحت‌تر است.

به این امید که این‌گزینش و کمی ساده‌کردنِ نثر آن خوانندگان عزیز را به این اثر بزرگ علاقه‌مند کند و بعدها به سراغ کتاب اصلی بروند و از همه زیبایی‌ها و هنرهای آن بهره ببرند.

حسین فتاحی



امیر مسعود، فرمان داده بود تا مجلسی آراسته بودند؛ بسیار باشکوه و مجلل. غلامان زیادی بر در خیمه شاهانه ایستاده بودند. تعداد زیادی سوار و پیاده از لشکر اطراف چادر به نگهبانی مشغول بودند.

امیر بار داد و اعیان و بزرگان لشکر، پیش رفتند و جلوی تخت امیر ایستادند. بعد از آن نوبت اعیان و اشراف و بزرگان ری بود. با فرمان امیر، پنجاه - شصت نفر از بزرگان ری از علویان، قُضات، روحانیان، بازرگانان و مردم عادی وارد خیمه امیر شدند و پشت سر درباریان امیر ایستادند. در این وقت بود که امیر سخن آغاز کرد.

باید دانست که وقتی امیر، حرف می زد، همه باید ساکت می شدند و سراپا گوش، چشم به دهان امیر می دوختند. زیرا او دُر می پاشید و شکر



می‌پراکند و سخنان شیرین و دلنشین می‌گفت. از حرف‌های امیر، آنچه گفته و آنچه بر کاغذ نوشته، همه موجود است تا مردم ببینند و بدانند که آنچه می‌گویم، لاف و گزاف نیست.

امیر رو به اعیان ری گفت: «تا امروز، راه و روش و شیوه حکومت ما چگونه بوده است؟ خجالت نکشید؛ راست بگویید و نترسید.» اعیان ری گفتند: «زندگانی امیر دراز باد!

از زمانی که از ظلم و ستم دیلمان آزاد شده‌ایم و امیر بر ما حکومت می‌کند، همیشه خواب راحت داشته‌ایم و در امنیت و آسایش بوده‌ایم. امیدواریم که خداوند، این امنیت را از ما نگیرد. اکنون خوش می‌خوریم و خوش می‌خوابیم و بر جان و مال و خانه و باغ و املاک خود ایمن هستیم؛ چیزی که در روزگار دیلمان نبودیم.»

امیر گفت: «کار بسیار مهمی پیش آمده که ما باید از این جا برویم. نامه‌ای رسیده از دربار پدر ما که او در گذشته، خدای او را رحمت کند و ما باید به زودی به خراسان برویم که آن جا ولایت بزرگی است و نمی‌توان آن جا را به حال خود رها کرد. اصل حکومت ما آن جا است؛ اما بدانید که چون از کار خراسان و هندوستان و بسند و نیمروز و خوارزم فارغ شدیم، باز به این نواحی خواهیم آمد. یا یکی از پسرانم را



می فرستم یا یکی از سرداران و سپهسالاران، با لشکری بزرگ و با ساز و برگ تمام.

اکنون، حاکمی از طرف ما در این جامی ماند، تا شما را آزمایش کند که چه خواهید کرد. اگر از شما اطاعت و فرمان برداری ببیند، ماهم در عوض، با شما به نیکویی و عدل رفتار کنیم؛ ولی اگر خلاف آن را ببینیم و بشنویم، به تلافی آن لشکری فرستیم که جواب ناسپاسی شما را بدهد. در آن صورت ما هم در برابر خدای عزوجل عذرمان پذیرفته است که اکنون گفته ایم و بر شما حجت تمام کرده ایم.

مردم اصفهان سر به اطاعت ما فرو نیاوردند. با آنها کاری کردیم تا عبرت تمام جهانیان باشد. ما در برابر نافرمانی، جوابی سخت و قاطع می دهیم. شما هم راست و درست و بدون حيله و نیرنگ، قولی بدهید که بتوانیم به آن اعتماد کنیم.»

وقتی حرف امیر تمام شد، اعیان و بزرگان ری، به یکدیگر نگاه کردند. معلوم بود که سخت ترسیده اند و زبانشان بند آمده است. در میان آنها مردی پیر و فاضل و جهان دیده بود. همه به او نگاه کردند و از او خواستند که در جواب امیر حرفی بزند. پیر مرد برخاست و گفت: «زندگانی سلطان بزرگ دراز باد! این مردم، در این مجلس باشکوه و در مقابل امیر، زبانشان بند آمده، اگر امیر اجازه دهد، ما بیرون رویم و امیر هم یکی از معتمدان خود را نزد ما فرستد، طاهر دبیر هم بیاید و

نشر پیدایش

ناشر برگزیده سال‌های ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۹۳ کشور  
ناشر نخست چهارمین بینال بین‌المللی تصویرگران ایران  
ناشر برگزیده سال‌های ۸۱، ۸۲، ۸۶ نمایشگاه بین‌المللی کتاب  
ناشر برگزیده سال‌های ۸۰، ۸۹ جشنواره رشد



تاریخ بیهقی به عنوان کتابی تاریخی شناخته شده است. اما در کنار اطلاعات تاریخی، مسائل جغرافیایی، آداب و رسوم اجتماعی، زندگی مردم، روابط آنها و ... آمده است. تاریخ بیهقی از نظر نثر و به کارگیری تعبیرات و هنر نویسندگی یکی از شاهکارهای ادب فارسی است. این کتاب نه تنها مهمترین سند تاریخی دوران سلطان مسعود غزنوی است، بلکه دقیق‌ترین مکتوب در نقل جزئیات، وقایع و حوادث آن دوره هم به حساب می‌آید.

www.peydayesh.com  
info@peydayesh.com

دفتر و فروشگاه مرکزی: خ. انقلاب، خ. فخر رازی، خ. شهدای ژاندارمری غربی، پلاک ۸۶  
تلفکس: ۶۶۴۰۱۵۱۴ | تلفن: ۶۶۹۷۰۲۷۰

